

روایتی از پروژه‌های شکست خورده جریان ضد ایران در ۱۴۰۱

داستان هاراگیری اپوزیسیون



زهرا طیبی خبرنگار گروه نقد روز

براندازها در دامی که فکر می‌کردند برای ایران پهن کرده‌اند، افتادند. دوسالی از آنچه در پاییز۱۴۰۱ اتفاق افتاده گذشته اما همچنان آنها روی شیب سقوط قرار دارند. قرار بود پروژه براندازان در پاییز ۱۴۰۱ ایران را به فروپاشی شدید و به قول خودشان «کار رابکسره‌کنند» اما براندازها درست روی موضوعاتی دست گذاشتندکه باعث شدافکارعمومی جامعه ایرانی آنها را پس‌بزندو حتی نسبت به آنها ابراز تنفر کند. اتفاقی که اگرچه آنها تلاش کردند عامل شکست خود را نفوذ جمهوری اسلامی وتلاش برای تخریب آنها معرفی کنند اما نکته‌ای که به نظر می‌رسد، اپوزیسیون خارج‌نشین به آن کمتر توجه کرده‌این است که بخش زیادی از شکست آنها در بدنه اجتماعی جامعه ناشی از تصویری است که در جریان ناآرامی‌ها از خود بروز دادند. در ادامه اشاره کرده‌ایم به بخشی از عواملی که منجر به شکست براندازها در ۱۴۰۱ شد.

دیکتاتورهای ممنوع‌کننده‌شادی

یکی از عجیب‌ترین اتفاقاتی که شاید برای اولین بار جامعه ایرانی در جریان اتفاقات ۱۴۰۱ با آن مواجه شد، این بود که شادی، لب‌خندو حتی انتشار عکسی که نشان دهد، همه چیز حتی در زندگی معمولی عادی است با فحش، ناسزاو توهین همراه بود. در این میان سلبریتی‌ها، بلاگرها و شخصیت‌های معروف، سبیل توهین و تحقیر قرار گرفتند. فضایی که براندازها حداقل در دنیای مجازی به راه انداخته بودند این بود که «آنها عذرارند» و همه باید با آنها همراه شوند. در فراخوان‌های اعتصاب شرکت کرده، دست از کار بکشند و در صفحات مجازی شان ابراز ناراضی‌تی کنند. اگر در این میان فردی نظر دیگری داشت و اساساً نمی‌خواستواظهارنظری در این رابطه داشته باشد، باتوهین،تحقیرو فحاشی براندازها روی‌رو می‌شد. اگر هم سلبریتی بود، رسانه‌های فارسی‌زبان تصویری وارمشتنر می‌کردند، آن‌هم بااین خط که با این‌زنگی در میان اتفاقات پاییز۱۴۰۱موضع‌گیری نکرده‌و سکوت کرده‌است. همه آنچه در فضای مجازی در جریان این اتفاقات رخ می‌داد، تلاش برای برساخت این تصویر بود که

یادمان نمی‌رود چه جریانی خط تعطیلی ورزش ایران را دنبال کرد

ایران در المپیک، پروژه اپوزیسیون درگما



علی ملکی خبرنگار گروه نقد روز

چهره‌ها و گروه‌های موسوم به اپوزیسیون ایران هم‌زمان با ناآرامی‌های ۱۴۰۱ تحركات ضدایرانی خود را تشدید کردند. این تحركات شامل اقدامات مختلفی بود و طراحان آنها می‌گفتند هدف‌شان تحت فشار قرار دادن حکومت ایران است. در عین حال فعالیت‌هایی که انجام می‌شد کاملاً حاکمی از هدف قرار دادن جامعه ایرانی بود. دو سال از ماجرای ۱۴۰۱ گذشت و در این بازه مکرراً شاهد پروژه‌هایی بودیم که از کشورهای مختلف طرح‌ریزی می‌شدند تا عرصه حکمرانی و بدنه اجتماعی ایران را تضعیف کنند. پروژه‌هایی مثل اعتصاب اصناف و ورزشکاران، تعطیلی سفارتخانه‌های ایران در کشورهای اروپایی و تحریم سپاه پاسداران بی‌گفته‌شد اما در نهایت نتیجه مطلوبی برای طراحان آن نداشت. بااین حال امروز می‌بینیم نه تنها اهداف شان محقق نشده که هسته اولیه خودشان هم گسسته است.

تقابل اصناف با پروژه اعتصاب

یکی از پروژه‌هایی که آن روزها بسیار بازتاب پیدا کرد اما نتیجه چندان موثری برای اپوزیسیون نداشت، فراخوان‌های اعتصاب سراسری بود. معمولاً این‌ترنشان مسئول طرح‌ریزی این فراخوان‌ها بود و بعد از آن چهره‌هایی مثل مسیح علی‌نژاد و حامد اسماعیلیون آن را تبلیغ می‌کردند. در بخشی از این فراخوان آمده بود: «در کنار اعلام آمادگی اقبالر مختلف و شهروندان برای پیوستن به اعتصاب‌ها و اعتراضات سه روزه، نهادها و گروه‌هایی نیز فراخوان‌هایی برای حمایت از اعتصاب و اعتراض

نظام حکمرانی در حال فروپاشی است، مردم خود را کشته و مردم هم در اعتراض‌ه این فضا کسب‌ونگار خود را تعطیل کرده‌اند و ناراحتند. امدار واقعیت ما جزا، براندازها با رفتار دیکتاتورمآبانه خود تلاش می‌کردند تا به اجبار این جورا در میان مردم و فضای مجازی به وجود بیایوند. تلاشی که اگرچه در ابتدای امر احادی کار کرد و حتی باعث شد برخی متاثر از جوایجاد شده‌اظهاراتی رادر صفحات مجازی مطرح کنند اما ادامه پیدا کردن این امر منجر شد افکار عمومی به فضای ایجاد شده از جانب رسانه‌های فارسی‌زبان واکنش نشان دهند و آن را پس‌بزنند. حتی در مواردی برخی از بلاگرها و سلبریتی‌های مجازی نسبت به این رفتار براندازها واکنش منفی نشان دادند و به آن اعتراض کردند. رفتار دیکتاتورگانه اپوزیسیون خارجی در مواجهه با افکار عمومی، درست در نقطه مقابل ادعاها و اظهاراتی قرار داشت که آنها در سه دهه اخیر علیه نظام حکمرانی ایران راه انداخته بودند. درحالی‌که تلاش می‌کردند القاکنند در ایران دیکتاتوری حاکم است اما دقیقاً در روزهای ناآرامی همانند دیکتاتورها عمل کردند.

امری که باعث شد فاصله ایجاد شده میان براندازها و بدنه اجتماعی ایرانی عمیق‌تر شود و این سوال را از خود پرسد«حالا که قدرت در اختیار آنها نیست به این شکل رفتار می‌کنند، اگر روزی قدرت در اختیارشان باشد، چگونه رفتار خواهند کرد؟»

شعار ایران دوستی و حمایت از تجزیه‌طلب‌ها

شاید اگر پیش از۱۴۰۱ گفته می‌شد تصویر شادی کردن از باخت ایران در تونزمنت‌های بین‌المللی، امری عادی خواهد بود که رسانه‌های فارسی‌زبان صراحتاً از آن دفاع می‌کنند و در نقطه مقابل نیز شادی کردن از برد تیم ملی تقبیح می‌شود، عجیب و غیرقابل باور به نظر می‌رسید، اما در واقعیت این اتفاق رخ داد. رسانه‌های فارسی‌زبان این خط خبیری را به راه انداختند که «تیم ملی ایران نه» این «تیم جمهوری اسلامی است»، پس خوشحالی کردن از برد آن به معنی تأیید نظام حکمرانی است. این خط خبری اگرچه پیش از این از جانب رسانه‌های فارسی‌زبان و برخی چهره‌های اپوزیسیون دنبال می‌شد اما در۱۴۰۱ با جدیت و صراحت بیشتری دنبال شد. مشخص بود آنچه با عنوان حمله به جمهوری اسلامی از جانب براندازها دنبال می‌شد، ضربه مستقیم به امر ملی و هرچیزی بود که رنگ و بویی یک ملت شدن مردم راداشته باشد. اگرچه در نقطه شروع این کمپین در مواردی خط رسانه‌ای و پروژه‌ای براندازها دنبال شد و حتی

تا آنجا ادامه پیدا کرد که فشار روزانی زیادی را روی تیم ملی ایران در جام جهانی قطره به وجود آورد اما خیلی زود شکست خورد. علت آن هم این بود که اگرچه در ابتدای امر در فضایی برساخته، افکار عمومی در تله رسانه‌ای اپوزیسیون افتاد اما در ادامه ماجرا خیلی زود این تصویر آشکار شد که براندازان نه فقط حکمرانی، بلکه ایران را هدف قرار داده‌اند و همین باعث شد نسبت به تلاش‌های بعدی آنها بی‌توجهی نشان دهند. نقطه اوج تلاش رسانه‌های فارسی‌زبان برای ضربه به ایران و فاصله‌گرفتن افکار عمومی ایران از آنها را می‌توان در حمایت علنی آنها از گروهک‌های تجزیه‌طلب حکمرانی دانست. کرد، تریبون‌پیدا کردن گروهک‌های تجزیه‌طلب در رسانه‌های فارسی‌زبان که ساکنان کردستان هنوز از اقدامات تروریستی آنها خاطره‌های زیادی به یاد دارند، یک بخش ماجرا بود. بخش مهم‌تر القای این گزاره بود که مردم مناطق کردستان با این گروه‌ها همراه و خواهان جدایی‌اند. حمایت از تجزیه‌طلب‌ها تلاش برای تضعیف هرچیزی که رنگ و بوی ملی بدهد، اگرچه در ابتدای روزهای ناآرامی وضوح و شفافیت پیدا کرد اما به مرور زمان بدنه اجتماعی جامعه ایرانی را به این نتیجه رساند که اپوزیسیون خارج‌نشین فاصله زیادی با خواست، توقع و انتظارات جامعه ایرانی دارد و با این استاندارد حتی در کنار دشمنان ایران قرار دارد. پروژه‌های ضدملی براندازان یکی از عوامل مهمی بود که باعث شد جامعه ایرانی، دیگر اپوزیسیون خارج‌نشین و پس از آن چهره‌های برانداز را نادیده بگیرد.

ما حتی نمی‌توانیم خودمان را تحمل کنیم

اختلاف براندازها، جزء جدانشدنی اتفاقاتی بود که در پاییز۱۴۰۱ رخ داد. براندازها حتی نمی‌توانستند در راه‌پیمایی‌هایی که در لندن، آلمان و دیگر کشورهای اروپایی برگزار می‌کنند، چند دقیقه‌ای کنار یکدیگر قرار بگیرند. همین موضوع این سوال را به وجود می‌آورد، براندازهایی که حتی نمی‌توانند در راه‌پیمایی کنار یکدیگر قرار گیرند، چطور می‌خواهند در فرای براندازی کنار هم قرار بگیرند. به همین خاطر هم منشور همبستگی با حضور افرادی مثل حامد اسماعیلیون، مسیح علی‌نژاد، نازنین بنیادی، رضا پهلوی، عبدالله مهندی و چهره‌هایی مثل شیرین عبادی تشکیل شد. البته تشکیل همین منشور با این چهره‌ها نیز باب انتقادهای تازه‌ای در میان براندازها راباز کرد اما همین چهره‌ها نیز نتوانستند برای مدت زیادی کنار یکدیگر قرار گیرند

و اعضایی‌کی یکی از این منشور خارج شدند. پیامی که این رفتار براندازها به جامعه ایرانی منتقل می‌کرد این بود که این چهره‌ها قرار نیست اساساً مفهومی تحت عنوان هدایت مردم ایران را پوشش دهند. اختلافات بیش از اندازه آنها با یکدیگر، فحش و ناسزا و توهین علیه یکدیگر و البته بی‌توجهی افکار عمومی داخل ایران به آنها به مرور این موضوع را روشن کرد که براندازها اساساً در محل توجه بدنه اجتماعی ایران نیستند. امری که گذر از روزهای اول آشوب آن را روشن کرد.

گل به خودی براندازها در ۱۴۰۱

نکته مهم‌تری که می‌توان در مورد شکست براندازها مورد توجه قرار داد و مولفه‌های بالاینیز به آن اشاره دارد اینکه اپوزیسیون خارج‌نشین پیش از اینکه در میدان مقابله با نظام حکمرانی ایران ضربه بخورد و بازنده شود، به حماقت‌ها و اشتباه‌هایی که در جریان ۱۴۰۱ انجام داد، باخت. بزرگ‌کردن چهره‌هایی مثل علی‌کریمی، نازنین بنیادی و افرادی که حتی سابقه قابل‌ذکری در مخالفت با نظام حکمرانی نداشتند، حتی صدای براندازهای خارج‌نشین را هم درآورد. نکته جالب توجه این است که رفتار براندازها حتی در مخالفت و مبارزه با نظام حکمرانی در سطح مبتدلی قرار داشت؛ فضای فحاشی، توهین و عقده‌گشایی طیف‌های مختلف براندازان و تکیه به برساخت رسانه‌ای از آنچه در خیابان‌های ایران گذشت و بزرگ‌نمایی آن باعث شد نه تنها مردم ایران، بلکه کارفرمایان آنها را نیز به این نتیجه برساند که نمی‌توانند برای ضربه زدن به ایران روی آنها حساب چندانای باز کنند. یکی از مهم‌ترین مولفه‌هایی که شکست براندازان را از ابتدا روشن می‌کرد این بود که آنها تنها تلاش کردند با سواور شدن بر موج آنچه که در فوت مهسا امینی اتفاق افتاد، ناآرامی‌ها را در ایران تشدید کنند. اما با گذشت یکی دوماه از اتفاقات ۱۴۰۱ و فروکش کردن آنچه به زعم برخی کارشناسان شورش بود، نتوانستند به این سوال پاسخ دهند حالا ایده و آلت‌رناتیو آنها برای فرای براندازی چیست؟ اساساً چولایی وجود نداشت که بدهند، تنها کارویژه اصلی آنها براندازی بود، اما از یک جایی به بعد آنها حتی برای اینکه به گفته خود خیابان‌ها را شلوغ کرده و خوراک رسانه‌ای برای خود فراهم کنند هم هیچ ایده‌ای نداشتند. به محض اینکه بدنه اجتماعی جامعه آنها را پس‌زد و کمی از موج ناآرامی‌ها کم‌شد، موج فضا سازی براندازها نیز افول کرد.



رانداریم. همه این تلاش‌ها در مقابل سفارتخانه‌های ایران در کشورهای اروپایی هم انجام شد که آنها هم سرنوشتی جز شکست نداشتند.

همبستگی‌ای که گسسته شد

رفته‌رفته چهره‌های اپوزیسیون ایران متنی را بعنوان «منشور همبستگی و سازماندهی» منتشر کردند که حامد اسماعیلیون، نازنین بنیادی، رضا پهلوی، شیرین عبادی، مسیح علی‌نژاد و عبدالله مهندی اولین امضاکنندگان این متن بودند. این منشور در ۱۷ بند به‌گونه‌ای تعریف شده بود که حتی انتقادات گسترده چهره‌های اپوزیسیون را به همراه آورد. حتی یکی از آنها نام این منشور را «تجزیه ایران» گذاشت. فارغ از محتوای این منشور، در نهایت اعضای اصلی امضاکننده آن از یکدیگر جدا شدند و خبرهایی از رسوایی آنان دست به دست شد و بسیاری از طرفداران‌شان نیز از همراهی کمپین آنها انصراف دادند. بنابراین منشور همبستگی هم نه تنها نتوانست در ایجاد همبستگی میان نیروهای اپوزیسیون موثر واقع‌شود بلکه همان انسجام حداقلی اولیه را نیز از بین برد.

«نه» ورزشکاران به اپوزیسیون

از آخرین پروژه‌های تضعیف جامعه ایرانی، تمرکز بر فشار روی ورزش و ورزشکاران در میادین ملی و بین‌المللی بود. این پروژه در ابتدا با پذیرش برخی از ورزشکاران رویه‌رو شد و در مواردی مثل خوانش سرود ملی شاهد همراهی و حتی مهاجرت آنان از کشور بودیم. با این حال بعد از گذر از آن بازه زمانی و توجه بیشتر به ورزش و ورزشکاران به‌عنوان امر اجتماعی و ملی، این طرح ضد ایرانی هم شکست خورد و روز گذشته رهبر انقلاب نیز در دیدار بامدال‌آوران المپیک و پارالمپیک به این موضوع اشاره کردند که ورزش یک عمل مهم و اساسی در دیپلماسی عمومی است.



و او را دستگیر کند یا عکس یک پلیس هندی فوتوشاپ کردند و کنار هم قرار دادند که پلیس ایرانی در اصفهان چه رفتاری با یک خانم ۱۴۰۱‌ساله علی‌کریمی، حتی بعد از دروغ‌های متعدد برای مثال در هواپیمایی تایلندی بازمی‌شود. می‌گوید شما نمی‌خواهید مشکلات کشور را حل کنید، بیایید هواپیمایی که درش بازمی‌شود را درست کنید؛ اینها محتوای منشور شده‌ای است که در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد، وقتی افرادی که الگو و شاخص هستند و قبلاً به آن اتکام می‌کردند، کثرت دروغ‌های آنها را می‌بینند معلوم است که با آنها همراهی نمی‌کنند. علاوه‌براین اختلافات مبنایی و عملکردی بین گروه‌های ضدانقلاب، آنها را به یک چیز لایت‌جسک تبدیل کرده و آنها نمی‌توانند با یکدیگر متحد شوند چون خاستگاه و وابستگی‌های آنها متعدد و متنوع است و نمی‌توانند اینها را به هم وصل‌کنند، حتی به شکل کوتاه‌مدت. این موضوعات باعث شد که حتی تراژیدرهای ضدانقلاب و قد و وزن آنها با آنچه هستند، فاصله زیادی پیداکنند و حتی معترضان و آنها که به نظام اعتراض دارند، همراهی نکنند.»

نصراللهی در انتهایانیز اشاره‌ای به تجربه اتفاقات ۱۴۰۱ و ناظر به اقدامات فراجا گفت: «اتفاقات تاریخ ۱۴۰۱ خطاهایی دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت، علی‌رغم رشادات‌ها و زحمت‌هایی که نیروهای انتظامی نمی‌توانند از آنها بی‌رونند، خطاهای وجود دارد. اما نباید خطای فردی از یک سیستم بزرگ با ماموریت‌های متنوع را به کل فراجا و بخش‌های کشور تعمیم داد. خطاهایی در شروع اطلاع‌رسانی وجود داشته اما ایران در مجموع تجربه‌های ارزشمندی را کسب کرده، قدرت و توان امنیتی و انتظامی در کنار افزایش سواد رسانه‌ای و سیاسی مردم، تجریبات و آندوخته‌های ارزشمندی است، از آن طرف، دشمن هم تجربه‌های زیادی کسب کرده است. بخش‌های مختلف رسانه‌ای کشور، نخبگان و دانشگاهیان توانستند دو راهبرد از چهار راهبردی را که باید حاکمیت و نخبگان و رسانه‌ها داشته باشند، محقق کنند و آن هم اینکه راهبردهای آرام‌سازی و عادی‌سازی را توانستند در قابل آن اعتراضات، محقق‌کنند و کشور آرام‌کنند. اما در تحقق راهبردهای اقیاع‌سازی و همراه‌سازی با اقدامی نکردند یا ناکافی بوده و همین غفلت مخاطره‌جدید برای انجام اقدامات مشابه است و نباید آن تجربه را فراموش کرد و فکر کنیم که این اعتراضات آخرین اعتراض است.»

ناآرامی‌های ۱۴۰۱ در کشور با مسیح علی‌نژاد و چندنرزن ایرانی به اصطلاح فعال حقوق بشر در کاخ البرزه دیدار کرد که به استقبال رسانه‌های ضدایرانی و معاند رویه‌رو شد. آنها بعد از این دیدار مواضع علنیه ایران را تکرار کردند تا به این وسیله بتوانند سطح تحریم‌های اعمالی بر ایران را گسترش دهند. از سویی دیگر علی‌کریمی هم با فرانک والتر اشتاینمایر، رئیس‌جمهور آلمان دیدار کرد. این دیدار هم توسط رسانه‌های ضدایرانی پوشش گسترده‌ای داده‌شده و واکنش‌های زیادی در داخل داشت. رئیس‌جمهور آلمان بعد از این دیدار اعلام کرد: «همه‌است که اتحادیه اروپا تحریم‌هایی را علیه کسانی که در ایران مسئولند، اعمال‌کنند.» در نهایت این پروژه ویرانی طلبان هم با شکست مواجه و حتی چندی بعد ایران به عنوان رئیس‌مجمع اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل معرفی شد.

صدای شما باعث تحریم سپاه نمی‌شود

بخشی از تلاش نیروی اپوزیسیون ایران معطوف به تحریم سپاه پاسداران بود و در تجمعات برگزار شده مقابل سفارتخانه‌ها و مراکز دیپلماتیک در خارج از کشور، این موضوع از دولت آن کشور مطالبه می‌شد. اصرار این گروه‌ها برای تحریم سپاه بی‌پاسخ ماند و در نهایت جوئپ بورل، رئیس‌سیاست خارجی اتحادیه اروپا اعلام کرد که به‌رغم تظاهرات گسترده ایرانی‌های معترض در بروکسل، این اتحادیه سپاه پاسداران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار نمی‌دهد. بورل درگفت‌وگو خبرنگار بی‌بی‌سی به‌تظاهرات دربرابر مقر اتحادیه اروپا اشاره می‌کرد.گفت: «این صداها قوانین ما را تغییر نمی‌دهند.» علاوه‌بر این آنالینا بربوک، وزیر امور خارجه آلمان هم گفت که مبنای قانونی برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران وجود ندارد و فعلاً زمینه حقوقی در اتحادیه اروپا برای قرار دادن سپاه در لیست سازمان‌های تروریستی

اکبر نصراللهی، رئیس دانشکدان هنر و رسانه دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

براندازان ۱۴۰۱ جریان ضد مردم بودند

حضور نداشتند یا حتی در خانه‌هایشان حضور داشتند اگر از صفحه رسانه‌های تلویزیون ضد انقلاب بازر صفحات و کانال‌های مجازی آنها اخبار کوچک و خیابان ایران را رصد می‌کردند، فکری نمی‌کردند کل خیابان‌ها و میادین شهر درگیری و اعتراض است و احتمالاً باید با اسلحه بیرون بریزند. بنابراین انکار زندگی عادی مردم و بزرگ‌نمایی و تسری و تعمیم اغتشاشات به همه نقاط کشور و همه ساعات شبانه روز و دادن امید کاذب به هم‌راهان خود یعنی معترضان و اربابان به‌گونه‌ای که کار تمام است و توسعه‌میزهای بی‌اخلاقی با شاعرهای رکیک و جنسیتی راهبرد قرار گرفت. یادمان نرفته اگر کسی در صفحات اینستاگرام پستی می‌گذاشت که نشان دهد وضع عادی است، به‌گونه‌ای با شاعرهای رکیک و کمانت‌های جنسیتی به او حمله می‌کردند که کسی نتواند حتی در فضای اینستاگرام فعالیت‌کنند.»

راهبرد دروغ و خبرسازی

راهبرد دروغ و خبرسازی موضوع دیگری بود که نصراللهی به آن اشاره کرد و توضیح داد: «مهم‌تر از همه راهبرد دروغ و خبرسازی است و برای اینکه این راهبردها جواب بدهد از تاکتیک‌های مختلفی نیز استفاده‌شد. تاکتیک‌هایی مثل استفاده از سلبریتی‌ها، قرینه و مقایسه، سابقه، تقدم و تاخر، نقل قول و دیگر تاکتیک‌هایی که از آن صرف‌نظر می‌کنم. اما آنچه که اپوزیسیون و رسانه‌های وابسته به آنها را در رسیدن به اهداف‌شان ناکام کرد و موجب شد آنها در قمار رسانه‌ای همه‌دار و نادرشان را از دست بدهند، تصویر غلط و نادرست از مردم ایران، امید کاذب و واهی به آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها، برآورد غلط از توان خودشان و هم‌پیمانان ضعیف‌تر از خود، شعارها و ادبیات‌های جنسیتی و غیراخلاقی حتی در مورد خودشان، استفاده از خشونت حد اکثری و مهم‌ترین نکته استفاده از دروغ بود که باعث شد نتوانند افکار عمومی را با خودشان همراه‌کنند و حتی همراهان‌شان را هم باگذشت زمان و طولانی شدن فرآیند‌ها از دست بدهند. من اعتقاد این است عملکرد صحیح رسانه‌های داخلی با مواضع صحیح مسئولتی‌که درگیر اعتراضات و اغتشاشات کشور بودند موجب شکست و باخت معاندان و رسانه‌های وابسته و اغتشاشات‌کننده‌های عادی مردم را انکار می‌کردند و اعتراضات و اغتشاشات را بزرگ‌نمایی و بزرگ می‌ساختنند. به طوری که مردمی که در ایران

انکار زندگی مهم‌ترین راهبرد براندازها در ۱۴۰۱

نصراللهی در ادامه به یکی از راهبردهای براندازها در اتفاقات ۱۴۰۱ اشاره کرد و گفت: «آنها برای رسیدن به اهداف‌شان از راهبردهای مختلفی استفاده کردند که شاید مهم‌ترین راهبردهای انانظامی، امنیتی و مسئولان بود تا بتوانند داخل آنها سوره بگیرند و اعتراضات و اغتشاشات را استمرار ببخشند و چهارمین راهبرد هم برهم زدن امنیت ملی بود و شاید مهم‌ترین هدف معاندان سرنگونی نظام جمهوری اسلامی بوده است و این هدف کلان را برای خودشان می‌دیدند که نظام را سرنگون کنند و برای خودشان رئیس‌جمهور و مسئول تعیین می‌کردند.»

فرهیختگان

فرهیختگان



چهارشنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۳



شماره ۴۳۳۱



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

